



## جلسه چهاردهم-درس خارج مهدویت- ۹۱/ ۸ / ۱۵

جلسه چهاردهم - ۹۱/ ۸ / ۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين سيما امام زماننا روحى وارواح من سواه لتراب مقدمه الفداه.

بحث ما راجع به بررسى روايت مفصل مختصر بصائرالدرجات بود كه در آن اشاره به رجعت ائمه طاهرين: دارد. اين روايت مشكل سندي دارد. (قبلاً چنين روايتي را بررسى سندي كرده ايم)

اولاً: مسأله وجاده بودن روايت است (حَدَّثَنِي الْأَخُ الصَّالِحُ الرَّشِيدُ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَسَّنٍ الْمَطَارَآبَادِيُّ أَنَّهُ وَجَدَ بِحِطِّ أَبِيهِ الرَّجُلِ الصَّالِحِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَسَّنٍ)

ثانياً: در سند روايت آقاي محمد بن نصير فهرى نميري بصري است كه عده اى قائل به نبوتش هستند «نغوذ بالله»، خودش هم ادعا كرده كه: أنا النبي المرسل كه از طرف امام هادي ۷ مبعوث شده ام. قائل به تناسخ بود.

اعتقاد به ربوبيت امام هادي داشت [غالي بود]

نسبت به خود مفضل بن عمر، هيچ بحثي نداريم. بنده ايشان را از اجلا مي دانم. مرحوم نوري مفصل راجع به ايشان صحبت كرده است. مرحوم والد هم در الشيعة و الرجعة باز مفصل بحث كرده اند. مشكلي در مفضل نمي باشد بلكه افراد قبل از مفضل كه در سند روايت قرار گرفته اند، مشكل دارند. اگر خواسته باشيم تفصيلات رجعت را به وسيله اين روايت، ثابت كنيم، مشكل است. استناد به اين روايت براي اصل رجعت حسن است.

ثالثاً: از نظر متن، حدسم این است که روایت تلفیق شده است [ملفق]، یعنی چند روایت کنار هم قرار گرفته است زیرا بعید است يك روایت باشد.

در این روایت، مطالبی هست که موید دارد، مطالبی است که مورد قبول است. البته مطالبی هم دارد که جای بحث است. برای تبیین بحث، مثالی از این روایت (مختصر بصائر الدرجات) بیاورم. در روایت چنین آمده است:

«فَيَكُونُ أَوَّلُ مَنْ يُقْبَلُ يَدَهُ جَبْرَائِيلُ ع ثُمَّ يُبَايِعُهُ وَ تُبَايِعُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ نُجَبَاءُ الْجَنِّ، ثُمَّ النَّقَبَاءُ،

(اول کسی که دست او را میبوسد، جبرئیل است، و سپس سایر فرشتگان و نجباء جن و بعد از آنها نقبا با وی متابعت می‌کنند)

وَ يُصْبِحُ النَّاسُ بِمَكَّةَ فَيَقُولُونَ: مَنْ هَذَا الرَّجُلُ الَّذِي بِجَانِبِ الْكَعْبَةِ؟ وَ مَا هَذَا الْخَلْقُ الَّذِينَ مَعَهُ؟ وَ مَا هَذِهِ الْآيَةُ الَّتِي رَأَيْنَاهَا اللَّيْلَةَ وَ لَمْ نَرِ مِثْلَهَا؟

(صبح که مردم بیدار میشوند، در مکه فریاد میزنند و میگویند: این مرد کیست و این جماعت که با او هستند کیانند و این علامت که دیشب دیدیم و نظیرش دیده نشده چیست؟) [چون در روایت است که امام زمان ۴ شب ظهور می‌کند]

فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: هَذَا الرَّجُلُ هُوَ صَاحِبُ الْغَنَائِمَاتِ. فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: انْظُرُوا هَلْ تَعْرِفُونَ أَحَدًا مِمَّنْ مَعَهُ؟ فَيَقُولُونَ: لَا نَعْرِفُ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا أَرْبَعَةً مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ، وَ أَرْبَعَةً مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ، وَ هُمْ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ يَعْدُوهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ،

(بعضی به بعضی دیگر میگویند: این مرد همان صاحب بزه‌است! عده دیگر میگویند: نگاه کنید ببینید کسی از همراهان او را می‌شناسید؟ مردم می‌گویند ما جز چهار نفر از مردم مکه و چهار نفر که از اهل مدینه هستند و فلانی و فلانی می‌باشند هیچ کدام آنها را نمی‌شناسیم.)

[بنده، بعید می‌دانم که حتی از اهل مکه چهار نفر باشند أربع است، حتی يك بار که امیرالمؤمنین روحی فداه از حجاز به عراق آمدند، فقطه ۵ نفر حضرت را همراهی کردند که ۳ نفرشان فامیل حضرت بودند. امام حسین ۷ با اینکه روز روشن از مکه هجرت کرده‌اند و ۱۲۵ روز هم در مکه معظه بودند حتی يك نفر از اهل مکه همراه ایشان نیامد]

وَ يَكُونُ هَذَا أَوَّلَ ظُلُوعِ الشَّمْسِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، فَإِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ وَ أَضَاءَتْ صَاحَ صَائِحٍ بِالْخَلَائِقِ مِنْ عَيْنِ الشَّمْسِ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ، يُسْمِعُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ:

(این واقعه در آغاز طلوع آفتاب آن روز خواهد بود، موقعی که آفتاب طالع شد گویندهای از چشمه خورشید بزبان عربی فصیحی بانگی میزند که اهل آسمانها و زمین آن را میشوند، و میگویند:)

يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ هَذَا مَهْدِي آلِ مُحَمَّدٍ - وَ يُسَمِّيهِ بِاسْمِ جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ يُكْنِيهِ، وَ يَنْسُبُهُ إِلَى أَبِيهِ الْحَسَنِ الْحَادِي عَشَرَ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - بِأَيْغُوهُ تَهْتَدُوا، وَ لَا تُخَالِفُوا أَمْرَهُ فَتَضَلُّوا.

(ای مردم عالم! این مهدی آل محمد است و او را بنام و کنیه جدش پیغمبر ۹ میخواند و به پدرش حسن ۷ امام یازدهم تا حسین بن علی : نسبت میدهد. آنگاه گوینده میگوید: با وی بیعت کنید که رستگار میشوید و مخالفت امر او ننمائید که گمراه خواهید شد.)

فَأُولُ مَنْ يَقْبَلُ يَدَهُ الْمَلَائِكَةُ، ثُمَّ الْجَنُّ، ثُمَّ النَّقَبَاءُ وَ يَقُولُونَ: سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا، وَ لَا يَبْقَى ذُو أَذْنٍ مِنَ الْخَلَائِقِ إِلَّا سَمِعَ ذَلِكَ النَّدَاءَ، وَ ثَقِيلُ الْخَلَائِقِ مِنَ الْبَدْوِ وَ الْحَضَرِ وَ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ، يُحَدِّثُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، (وَ يَسْتَفْهِمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا) مَا سَمِعُوا بِأَذَانِهِمْ.

میپوسند و میگویند: شنیدیم و اطاعت میکنیم، هیچ. سپس به ترتیب فرشتگان و جن و نقباء دست او را صاحب روحی در میان مخلوق خدا نمیماند جز اینکه آن صدا را میشنود. کسانی که در جای دور و نزدیک و دریا و خشکی میباشند، میآیند و برای يك دیگر نقل میکنند که ما با گوش خود چنین صدائی را شنیدیم.

فَإِذَا دَنَّتِ الشَّمْسُ لِلْغُرُوبِ، صَرَخَ صَارِخٌ مِنْ مَغْرِبِهَا: يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ قَدْ ظَهَرَ (رَبُّكُمْ بِوَادِي الْيَابِسِ) مِنْ أَرْضِ فَلَسْطِينَ وَ هُوَ عُثْمَانُ بْنُ عَنبَسَةَ الْأُمَوِيِّ مِنْ وَلَدِ يَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَبَايَعُوهُ تَهْتَدُوا، وَ لَا تُخَالِفُوا عَلَيْهِ فَتَضَلُّوا، فَيَرُدُّ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ وَ الْجَنُّ وَ النَّقَبَاءُ قَوْلَهُ وَ يَكْذِبُونَهُ، وَ يَقُولُونَ لَهُ: سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا، وَ لَا يَبْقَى ذُو شَاكٍ وَ لَا مُرْتَابٍ، وَ لَا مُنَافِقٍ، وَ لَا كَافِرٍ إِلَّا ضَلَّ بِالنَّدَاءِ الْآخِرِ.

هنگامی که آفتاب خواست غروب کند؛ کسی از سمت مغرب زمین فریاد میزند ای مردم دنیا! خداوند شما، در بیابان خشکی از سرزمین فلسطین بنام «عثمان بن عنبسه» اموی از اولاد یزید بن معاویه ظهور کرده، بروید و با او بیعت کنید تا رستگار شوید و با وی سر به مخالفت بر ندارید که گمراه میشوید، در آن وقت فرشتگان و جن و نقباء گفته او را رد کرده، تکذیب میکنند و بآن گوینده میگویند: شنیدیم و نافرمانی میکنیم! هر کس شك و تردیدی بهدش راه یافته باشد و هر منافق و کافری، با این صدای دوم گمراه میگردد.

**طبق این روایت:**

۱- خروج سفیانی بعد از ظهور امام زمان ۴ است. در حالیکه، روایات متعددی داشتیم که سفیانی قبل از امام زمان ۴ ظاهر میشود. بین سفیانی و ظهور امام زمان ۴ حمل امرأة (۹ ماه) فاصله بود و از خروج او تا سقوطش ۱۵ ماه است.

۲- سفیانی ادعای ربوبیت میکند در حالیکه، برنامه سفیانی مشخص است ضدیت با اهل بیت عصمت است، ضدیت با پیامبر و اهل بیت است اما اینکه ادعای ربوبیت بکند این مسأله در روایتی نیامده است.

۳- بعد از حضور ملائکه و دیگران، سفیانی خروج میکند با اینکه این موضوع در روایتی نیامده است.

۴ - در روایت آمده که: «وَهُوَ عُثْمَانُ بْنُ عَنبَسَةَ الْأَمْوِيّ مِنْ وَلَدِ يَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ»، آنچه در روایات آمده این است که او فرزند یزید بن ابی سفیان است. ابوسفیان چند تا فرزند داشت یکی شان یزید بود که حاکم شام - قبل از معاویه - بود

وَسَيِّدُنَا الْقَائِمُ ص مُسْنَدٌ ظَهَرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَ يَقُولُ: يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ وَ شَيْثَ، فَهَآ أَنَا ذَا آدَمَ وَ شَيْثَ. أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نُوحٍ وَ وَلَدِهِ سَامَ، فَهَآ أَنَا ذَا نُوحٍ وَ سَامَ. أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ، فَهَآ أَنَا ذَا إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ. أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُوسَى وَ يُوْشَعَ، فَهَآ أَنَا ذَا مُوسَى وَ يُوْشَعَ. أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُحَمَّدٍ ص وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ص، فَهَآ أَنَا ذَا مُحَمَّدٍ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ص. أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْحُسَيْنِ وَ الْحُسَيْنِ ع، فَهَآ أَنَا ذَا الْحُسَيْنِ وَ الْحُسَيْنِ ع. أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ ع، فَهَآ أَنَا ذَا الْأَئِمَّةِ

در آن وقت حضرت قائم تکیه بهخانه خدا میدهد و میگوید: الا ای اهل عالم! هر کس میخواهد آدم و شیث را ببیند، بداند که من همان آدم و شیث هستم، هر کس میخواهد نوح و پسرش سام را ببیند بداند که من همان نوح و سام میباشم، هر کس میخواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند، بداند که من همان ابراهیم و اسماعیل هستم هر کس میخواهد موسی و یوشع را ببیند بداند که من همان موسی و یوشع هستم..

هر کس میخواهد عیسی و شمعون را ببیند ، بداند که من همان عیسی و شمعون هستم. هر کس میخواهد محمد صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین صلوات الله علیهما را ببیند، بداند که من همان محمد و علی هستم، هر کس میخواهد حسن و حسین را ببیند، بداند که من همان حسن و حسین میباشم. هر کس میخواهد امامان اولاد حسین را ببیند، بداند که من همان ائمه اطهار هستم.

ثُمَّ تَظْهَرُ الدَّابَّةُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ فَتَكْتُبُ فِي وَجْهِ الْمُؤْمِنِ مُؤْمِنٌ وَ فِي وَجْهِ الْكَافِرِ كَافِرٌ ثُمَّ يَظْهَرُ السُّفْيَانِيُّ وَ يَسِيرُ جَيْشُهُ إِلَى الْعِرَاقِ فَيُخْرِبُهُ، وَ يُخْرِبُ الرُّوَّاءَ وَ يَتْرُكُهُمَا جَمَاءَ، وَ يُخْرِبُ الْكُوفَةَ وَ الْمَدِينَةَ وَ تَرُوثُ بَعَالُهُمْ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ص. وَ جَيْشُ السُّفْيَانِيِّ يَوْمُئِذٍ ثَلَاثُمِائَةِ أَلْفٍ رَجُلٍ، بَعْدَ أَنْ حَرَّبَ الدُّنْيَا، ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى الْبَيْدَاءِ يُرِيدُ مَكَّةَ وَ حَرَابَ الْبَيْتِ، فَلَمَّا صَارَ بِالْبَيْدَاءِ وَ عَرَسَ بِهَا، صَاحَ بِهِمْ صَائِحٌ:

آنگاه دابة الارض در بین رکن و مقام ظاهر می شود و در صورت مؤمنین کلمه «مؤمن» و در صورت کافران کلمه «کافر» را می نویسد. سپس سفیانی ظاهر میشود و لشکرش را بهسوی عراق روانه ساخته و آنها عراق را خراب میکنند و بغداد را هم خراب کرده و از کشتگان تلی از اجساد درست میشود. و کوفه و مدینه را هم خراب کرده و مرکبهایشان، مسجد النبی را با فضولات، آلوده می کنند. و لشکر سفیانی در آن روز ۳۰۰ هزار نفر است. بعد از اینکه دنیا را خراب کرد، رو به جانب بیداء کرده و اراده خراب کردن خانه خدا را می کند.

۱- خروج سفیانی بعد از ظاهر شدن دابه الارض است. (ثُمَّ تَظْهَرُ الدَّابَّةُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ... ثُمَّ يَظْهَرُ السُّفْيَانِيُّ) و این خلاف روایات دیگر است.

۲- سفیانی دنیا را خراب می‌کند، در حالیکه محدوده‌ی سفیانی، طبق روایات متعدد شام، عراق، بخشی از جنوب ایران و حجاز است و درحجاز کارشان تمام می‌شود.

[بیداء بیرون مدینه بوده ولی الان داخل مدینه است یک پادگان نظامی در آن جا وجود دارد و به اصطلاح یکی از مراکز آموزش و پرورششان هم آنجاست.]

### نتیجه بررسی قسمتی از روایت:

مطالبی که در این روایت آمده است با روایات متعدد دیگر سازگاری ندارد.

در این روایت اشاره به رجعت ائمه: و بعضی از شکایت‌های ائمه: که در دروان رجعت پرونده مظلومیت خود را باز می‌کنند، دارد. البته همه شکوائیه‌ها در این روایت نیامده است. بعضی را مرحوم مجلسی و بعضی را مرحوم والد ما نقل می‌کنند.

### فراز هایی دیگر از روایت

قَالَ ع: «هَيْهَاتَ يَا مَفْضَلُ، وَاللَّهِ لَيَرَدَّنَّ وَ لَيَخْضُرَنَّ السَّيِّدُ الْأَكْبَرُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ص، وَ الصَّدِّيقُ الْأَكْبَرُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ فَاطِمَةُ، وَ الْحَسَنُ، وَ الْحُسَيْنُ، وَ الْأَئِمَّةُ ع، وَ كُلُّ مَنْ مَحَصَّ الْإِيمَانَ مَخْضًا، أَوْ مَحَصَّ الْكُفْرَ مَخْضًا، وَ لَيَقْتَصِرَنَّ مِنْهُمَا بِجَمِيعِ الْمَطَالِمِ، حَتَّى إِنَّهُمَا لَيَقْتَلَانِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ أَلْفَ قَتْلَةٍ، وَ يَرْدَانِ إِلَى مَا شَاءَ

فرمود: نه! نه! ای مفضل بخدا قسم هر مؤمن و کافری می‌آیند و آقای بزرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله و صدیق اکبر امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و ائمه اطهار نیز حاضر میشوند و همه آنها از آن دو نفر قصاص میکنند. تا جایی که آن دو نفر را در هر شبانه روز هزار بار میکشند و باز بامر خداوند بصورت اول برمیگردند تا باز عذاب شوند.

سپس در چندین فراز بعد می‌فرماید:

ثُمَّ يَظْهَرُ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع فِي اثْنِي عَشَرَ أَلْفَ صَدِيقٍ، وَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ رَجُلًا- أَصْحَابِهِ الَّذِينَ قُتِلُوا مَعَهُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ- فَيَأْتِيكَ عَنْهَا مِنْ كَرَّةٍ زَهْرَاءَ وَ رَجْعَةٍ بَيْضَاءَ.

آنگاه حسین ۷ با دوازده هزار صدیق و هفتاد و دو نفری که در کربلا از یاران او بودند و با وی شهید شدند، آشکار می‌شود. ای خوش آن رجعت نوری.

ثُمَّ يَخْرُجُ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع، وَ تُنْصَبُ لَهُ الْقُبَّةُ الْبَيْضَاءُ عَلَى النَّجَفِ، وَ تُقَامُ أَرْكَانُهَا: زُكْنٌ بِالنَّجَفِ، وَ زُكْنٌ بِهَجَرَ، وَ زُكْنٌ بِصَنْعَاءِ الْيَمَنِ، وَ زُكْنٌ بِأَرْضِ طَبِيبَةَ، فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى مَصَابِيحِهَا تُشْرِقُ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ كَأَضْوَاءِ مِنَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ فَعِنْدَهَا تُبْلَى السَّرَائِرُ وَ تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَصْغُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ بِسُكَارَى

سپس صدیق اکبر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ۷ ظهور میکند و خیمهای که بر چهار پایه استوار باشد در نجف برای وی بر سر پا میکنند. یک پایه آن در نجف و پایهای در حجر اسماعیل و پایهای در صفا و پایهای در زمین مدینه است. گویا چراغهای آن را می‌بینم که مانند انوار مهر و ماه در آسمان و زمین میدرخشد. در آن موقع باطن هر کس آشکار می‌شود، و زنان شیرده از وحشت بجههای خود را رها میکنند.

ثُمَّ يَظْهَرُ السَّيِّدُ الْأَجَلُ مُحَمَّدٌ ص فِي أَنْصَارِهِ وَ الْمُهَاجِرِينَ وَ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ صَدَقَهُ وَ اسْتَشْهَدَ مَعَهُ وَ يَخْضُرُ مُكَدَّبُوهُ الشَّاكُونَ فِيهِ وَ الْمَكْفُرُونَ وَ الْقَائِلُونَ فِيهِ إِنَّهُ سَاحِرٌ وَ كَاهِنٌ وَ مَجْنُونٌ، وَ مُعَلِّمٌ وَ شَاعِرٌ، وَ نَاطِقٌ عَنِ الْهَوَى، وَ مَنْ حَارَبَهُ وَ قَاتَلَهُ حَتَّى يَقْتَصَّ مِنْهُمْ بِالْحَقِّ، وَ يُجَازُونَ بِأَفْعَالِهِمْ مِنْذُ وَقْتِ ظَهَرِ رَسُولِ اللَّهِ ص، إِلَى وَقْتِ ظُهورِ الْمَهْدِيِّ ع إِمَاماً إِمَاماً، وَ وَقْتاً وَقْتاً، وَ يَحِقُّ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُيُّمَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.

آنگاه آقای بزرگ محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله با انصار و مهاجرین و آنها که باو ایمان آوردند، و نبوت او را تصدیق کردند و در رکاب وی شهید شدند، ظهور میکند. با ظهور حضرتش کسانی که دعوت آن حضرت را تکذیب کردند و در باره پیغمبریش شک نمودند و اعتنا بگفتار وی نکردند و کسانی که گفتند او ساحر و کاهن و دیوانه است و از روی هوای نفس سخن میگوید و آنها که با وی جنگ کردند حاضر میکنند تا از روی حق و عدالت انتقام اعمالی را که از بعثت آن حضرت تا موقع ظهور مهدی با هر امامی و در هر وقتی از اوقات مرتکب شده‌اند از آنها بگیرد. اینست تأویل حقیقی آیه شریفه: وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...

#### تاملی در فقرات مذکور

در فقره «هَيِّهَاتَ يَا مُفَضَّلُ، وَ اللَّهُ لَيَرَدَّنَّ...» آمده است که همهی ائمه برمی‌گردند ولی در فقرات بعدی «ثُمَّ يَظْهَرُ الْحُسَيْنُ» آمده است. آیا این روایت دیگری است یا رجعت دیگری است و یا تفصیل روایت و یا تفصیل عبارات قبل است. در فقره بعدی هم می‌فرماید: «ثُمَّ يَخْرُجُ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ»، آیا این ثَمَّ برای تراخی است؟ یعنی

بعد از رجعت امام حسین ۷ امیرالمؤمنین ۷ برمیگردد و آن عبارت قبل- رجعت پیامبر اکرم و ائمه: - اجمال است و عبارت بعد تفصیل است؟

#### دنباله روایت:

قَالَ الْمُفَضَّلُ: يَا سَيِّدِي رَسُولُ اللَّهِ ص وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَكُونَانِ مَعَهُ؟ قَالَ ۷: «لَا بُدَّ أَنْ يَطَّئَانِ الْأَرْضَ، أَيِ وَاللَّهِ حَتَّى مَا وَرَاءَ الْقَافِ، أَيِ وَاللَّهِ وَ مَا فِي الظُّلُمَاتِ، وَ مَا فِي قَعْرِ الْبَحَارِ، حَتَّى لَا يَبْقَى مَوْضِعٌ قَدِمَ إِلَّا وَطِئَاهُ، وَ أَقَامَا فِيهِ الدِّينَ الْوَاجِبَ لِلَّهِ تَعَالَى. كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْنَا مَعَاشِرَ الْأُيُمَّةِ وَ نَحْنُ بَيْنَ يَدَيِ جَدَّنَا رَسُولِ اللَّهِ ص، نَشْكُو إِلَيْهِ مَا نَزَلَ بِنَا مِنَ الْأُمَّةِ بَعْدَهُ، مِنَ التَّكْذِيبِ وَ الرَّدِّ عَلَيْنَا وَ سَبِّنا وَ لَعْنَتِنَا وَ إِزْهَاقِنَا بِالْقَتْلِ، وَ قَصْدِ طَوَاغِيَتِهِمُ الْوَلَاةَ لِأُمُورِهِمْ إِيَّانَا مِنْ دُونِ الْأُمَّةِ (بِتَرْجِيلِنَا عَنْ حَرَمِهِ إِلَى دَارِ مُلْكِهِمْ، وَ قَتْلِهِمْ إِيَّانَا بِالسَّمِّ وَ الْحَبْسِ) فَيَبْكِي رَسُولُ اللَّهِ ص وَ يَقُولُ: يَا بُنَيَّ مَا نَزَلَ بِكُمْ إِلَّا مَا نَزَلَ بِجَدِّكُمْ. وَ لَوْ عَلِمْتَ طَوَاغِيَتَهُمْ وَ وَلَائَهُمْ أَنْ نَحْنُ وَ الْمَهْدِيُّ وَ الْإِيْمَانُ وَ الْوَصِيَّةُ وَ الْإِمَامَةُ فِي غَيْرِكُمْ لَطَلَبُوهُ. (این عبارت مشوش است)، ثُمَّ تَبْتَدِئُ فَاطِمَةُ ع فَتَشْكُو مِنْ غَمَرٍ وَ مَا نَالَهَا مِنْ أَبِي بَكْرٍ، وَ أَخَذَ فَدَكَ مِنْهَا... [۱]. [ftn1]

مفضل گفت: آیا پیغمبر ۹ و علی ۷ با قائم خواهند بود؟ فرمود: آری و الله پیغمبر و علی، حتما میباید قدم روی زمین بگذارند آری بخدا آنها همه جا حتی به پشت کوه قاف و ظلمات و قعر دریاها هم میروند تا آنجا که جایی نمی ماند جز اینکه پیغمبر و علی ۸ رفته و آثار واجب دین خدا را در آنجا برپا میدارند

ای مفضل! گویا می بینم که ما ائمه آن موقع جلو پیغمبر جمع شده و به آن حضرت شکایت می کنیم که امت بعد از وی با ما چه کردند؟ و میگوئیم؛ امت ما را تکذیب کردند و بیاعتنائی و نفرین و لعنت و تهدید بقتل نمودند، والیان ستمگر آنها ما را از وطن بیرون آورده بیایستخت خود بردند و جمعی از ما را با سم و حبس کشتند. در این وقت پیغمبر سخت گریه میکند و میفرماید ای فرزندان من! هر چه بشما رسید بیشتر بجد شما رسید. آنگاه فاطمه زهراء ۳ می آید و از ظلم اولی و دومی و غصب فدک ملک خود توسط آنها... سخن می گوید.

#### شاهد در روایت

عبارت «لَا بُدَّ أَنْ يَطَّئَانِ الْأَرْضَ، أَيِ وَاللَّهِ حَتَّى مَا وَرَاءَ الْقَافِ، أَيِ وَاللَّهِ وَ مَا فِي الظُّلُمَاتِ، وَ مَا فِي قَعْرِ الْبَحَارِ، حَتَّى لَا يَبْقَى مَوْضِعٌ قَدِمَ إِلَّا وَطِئَاهُ، وَ أَقَامَا فِيهِ الدِّينَ الْوَاجِبَ لِلَّهِ تَعَالَى»

شاید این عبارت، کنایه از حکومت باشد. تتمه روایت، تنها چیزی که از آن استفاده می شود رجعت ائمه است که حد دلالتش شکایت ائمه: از امت می باشد. ولی رجعت هر کدام از ائمه برای حاکمیت از این روایت استفاده نمی شود.

وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

### شاید این موارد نیز مورد علاقه شما باشد

							
روایات الحسنی (به عربی)	اگر جهان اسلام به حقیقت غدیر گردن می نهاده امروز شاهد برادر کشی نبودیم / غدیر نه یک حادثه تاریخی که خود اسلام است	جلسه نوزدهم بحث قیام های قبل از ظهور = درس خارج مهدویت ۹۳/۰۱/۲۴ - برادر کشی	جلسه ۱ بحث روایات ندای آسمانی = درس خارج مهدویت = ۹۰/۱۰/۰۳	جلسه سی و سوم = درس خارج مهدویت ۹۱/۱۰/۱۱ - مهدویت = ۹۰/۱۰/۰۳	آیت الله نجم الدین طبسی: درس خارج کلام از ضرورت های امروز حوزة است	جلسه سی ام بحث قیام های قبل از ظهور = درس خارج مهدویت ۹۳/۰۲/۲۰ - امروز حوزة است	جلسه ۱۳ بحث روایات ندای آسمانی = درس خارج مهدویت = ۹۰/۱۲/۰۱

پاسخ

